



دیالوگ روز

فرا ماشین - الکس کارلند - ۲۰۱۴

نیتان بیتمن (اسکار آیزاک)؛ به روز هوش مصنوعی طوری به ما نگاه خواهد کرد که ما الان داریم به اسکلت‌های فسیل‌شدهٔ مدفون در دشت‌های آفریقا می‌نگریم.

درست مثل میمونی که تو کثافت زندگی می‌کنه

و با یه زبان زمخت و ناهنجار و دست‌افزارهاش، داره برای انقراض آماده میشه.



یک خاطره و یک هشدار

۳۰ سال قبل به دلیل مسئولیتی که در خراسان داشتم، برای سخنرانی در همایشی دعوت شدم که حدود هزار نفر از بانوان معلم امور تربیتی در آن شرکت داشتند. تصور می‌فرمایید که همه آن بانوان محترمه با چادر مشکی در جلسه حاضر بودند. بنده در آن جلسه خبری

را نقل کردم که یک دانش‌آموز دوره راهنمایی را به خاطر اینکه غیر از مقعه و مانتو، چادر نداشت، امور تربیتی مربوطه او را از صف دختران شرکت‌کننده در راهپیمایی ۱۳ آبان بیرون کشیده و باعث ناراحتی و حتی گریه آن دختر معصوم شده بود. این خبر زمینه‌ای شد که من بحث را روی حجاب متمرکز کنم و فشار بی‌مورد به دختران را که اثر نامطلوب دارد، گوشزد کنم و همان‌جا نظرم را به‌عنوان یک مسئول سیاسی درباره نتیجه معکوس حجاب اجباری بگویم. برای مخالفت با نظر من، یک حاج‌خانم از میان جمعیت برخاست و درباره ضرورت اجبار برای حجاب و حتی چادر دانش‌آموزان سخن گفت. جلسه تبدیل شد به یک مناظره بین من که پشت تریبون بودم و حاج‌خانمی که در میان جمعیت بود. نکته جالب آن مناظره بدون برنامه‌ریزی این بود که خانم‌های حاضر در جلسه دو گروه شدند، گروهی سخنان بنده و گروهی هم نظرات حاج‌خانم را تأیید می‌کردند. گروه طرفدار حجاب اجباری در میان خانم‌های چادری امور تربیتی مدارس خیلی بیشتر بودند از مخالفان حجاب اجباری. این تفاوت عددی از آنجا مشخص بود که برای تأیید اظهارات من کف می‌زدند و برای تأیید حرف‌های حاج‌خانم صلوات می‌فرستادند. ۳۰ سال قبل نه دوم خردادی پیش آمده بود، نه مخالفت گسترده‌ای در میان مردم با حجاب اجباری وجود داشت، نه تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارجی در ایران قابل رؤیت بود و نه حتی ویدئو در اختیار مردم بود و نه فضای مجازی وجود داشت که به قول بعضی‌ها سم‌پاشی کند؛ اما بیشتر معلمان امور تربیتی، آن هم در مشهد، خودشان با توجه به مسئولیت و تجربه‌ای که با دانش‌آموزان و خانواده‌ها داشتند، فایده‌ای برای حجاب اجباری نمی‌دیدند. قصدم از بیان این خاطره این است که به حاکمیت هشدار دهم و عرض کنم اگر حاکمیت می‌خواهد با زور قانون و فشار انتظامی، آن دسته از بانوان را که نمی‌خواهند روسری سر کنند، تا ابدالدر پوشیده مو نگه دارد، موفق نخواهد شد.

حاکمیت اگر می‌خواهد جامعه را در زمینه حجاب متعادل نگه دارد، تنها یک راه دارد: پایش را از این موضوع بیرون بکشد. من چند سال قبل که دکتر علی مطهری نایب‌رئیس مجلس بود و حساسیت خاصی نسبت به ظاهر اسلامی جامعه و مخصوصا بدجبانی داشت، حضوری عرض کردم تا زور دولت و نیروی انتظامی وجود دارد، بدجبایی به بی‌حجابی و پس

از آن به برهنگی تبدیل می‌شود.

اولیای امور از شکست طرح ممنوعیت استفاده از ویدئو و از بی‌اثرشدن قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره در بس‌گیری و بگذاردید جوانان جامعه از لج‌بازی و مبارزه منفی دست بردارند تا جامعه به تعادل برسد. نماینده‌های مجلس کاری نکنند که آحاد مردم به قانون‌شکنی عادت کنند. معلوم نیست برای همیشه، زور حکومت از زور مردم بیشتر باشد. یقین کنید اکثر خانواده‌های مذهبی هم با اجبار بر دختران جوان مخالف‌اند، همان‌گونه که ۳۰ سال قبل بیشتر معلمان امور تربیتی مشهد که صددرصد از نیروهای مذهبی و دلسوز بودند، با حجاب اجباری مخالف بودند. والسلام.

زنان

مردانی که هیچ کاری نمی‌کنند

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ و تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۳۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۶۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ • ۲۶ رمضان ۱۴۴۴ • ۱۷ آوریل ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۴:۰۴ • اذان مغرب ۵۸:۵۸

اذان صبح فردا ۳:۵۹ • طلوع آفتاب ۵:۲۸

بیمارستان ایکس



بابک زمانی

نورولوژیست

اینجا ایکس به معنای مجهول نیست؛ بلکه به این معناست که بیمارستان‌های متعددی می‌توانند ایکس باشند. این بیمارستان مهم‌ترین بیمارستان ورودی شهر تهران و شهرهای بزرگ از هر طرفی است. مثلا از کرج تا تهران بزرگ‌ترین بیمارستانی است که می‌تواند پذیرای اورژانس‌های جدی قابل درمان مثل سکته مغزی و قلبی و ضربات شدید و… باشد. این بیمارستان، دولتی و دانشگاهی است. جایی است که مستمندان و افسار آسپ‌پذیر ساکن در این مسیر جز آنجا مآولی ندارند. راهروهای بیمارستان کثیف نیست؛ اما نظافتچی‌ها و نگرزان دیگر قادر نیستند این بنای فرسوده، این راهروهای هزاران بار تغییر مسیر داده را جلوه‌ای زیبا ببخشند، آن‌گونه که برای بیماران و همراهان‌شان در دشوارترین تجربیات زندگی دل‌آزار نباشد. حتی اگر ۲۰ سال هم هر روز این راهروها را طی کرده باشید، فردا ممکن است کم شوید. مسئولان بیمارستان به اجبار زمانه باید کارکردهای جدید بیافرینند و در نتیجه معماری داخلی هر روز تغییر می‌کند. و تا تغییر کند سروکار با سنگ و گچ و دریل است. وارد حیات بیمارستان هم که می‌شوید، دیگر فضای سبزی باقی‌نمانده است هر روز بخشی از حیاط را که الان فقط پارکینگی تنگ و دشوار است می‌کنند، می‌کوبند، مته می‌گذارند، دود بریا می‌کنند تا چند ماه دیگر ساختمانی دیگر بسازند و بزنند به زخم کارهای درآمذا که قرار است بیمارستان را بچرخاند؛ زیبایی، چاقی و… . بیمارستان و دانشگاه از صدر تا ذیل در خدمت کسانی است که می‌خواهند زیبا و لاغر باشند! نه در اختیار بیماران و طبییانی که باید مداوای‌شان کنند. در تنگنای موجود تنها همین روش هاست که پایه‌پای دنیا پیش می‌رود. در سایر بخش‌ها قطع ارتباط با بین‌الملل طب نیز دردی مضاعف است.

اورژانس بیمارستان راهرویی است بزرگ که تخت‌های متعدد بیمارستانی در آنجاست. تعداد زیادی پزشک و پرستار در رفت‌وآمدند؛ اما از آنجا که سلسله‌مراتب خاصی باید رعایت شود، تعدد آنها به معنای وفور پزشک نیست.

اگر به طور سریایی مراجعه‌می‌کنید، به راه‌پله‌هایی تنگ و شلوغ وارد می‌شوید و درمانگاه‌هایی که معمولا چندین دستیار هم‌زمان در حال معاینه تعدادی بیمار در کنار هم هستند. جا تنگ است، فضای اضافه وجود ندارد. مبلگی که برای ویزیت می‌پردازید، بسیار اندک است.



♦ پس از سانه‌ای شدن خبر قطع، تخریب و به آتش کشیدن درختان نایاب جنگلی در کبابر و درختان ممنوع القطع جنگل‌های هیرکانی بلافاصله دستور پیگیری و برخورد با عاملان این اتفاق ناگوار صادر شد.
عکس: سیدولی شجاعی لنگری، نسیم



شبکه‌خوانی

پوشش قابل‌مه‌برگردانی

پس از برگزاری مراسم روز قدس در شهرهای مختلف ایران چند تصویر و ویدئو بسیار مورد توجه شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. یکی تصویری از یک زن به صورت بی‌حجاب بود؛ همان حالتی که این روزها مدام نسبت به آن هشدار داده می‌شود و زنان را با استناد به برخی قوانین از حضور در خیابان‌ها و ادارات به آن شکل برحذر می‌دارند. در کنار آن انتشار ویدئوی گزارش صداسیما از برگزاری پوشش قابلمه‌برگردانن از سوی طلاب حوزه علمیه خواهران مراغه بود. این اقدام به‌عنوان حمایت از زنان فلسطین و بیان این هشدار است که «سرنوشت اسرائیلی‌ها مانند این قابل‌مه‌ها واژگونی است. به گزارش روزیاتو این اقدام چند سالی است در شهرهای مختلف کشور در همراهی با پوشش بین‌المللی پخت غذای مقلوبه زنان فلسطینی صورت می‌گیرد.

از نظر یکی از طلاب حاضر در این برنامه هدف از شرکت در این پوشش این است که به زنان فلسطینی پیام دهند که در کنار آنها هستند.

غذای مقلوبه یک غذای متعلق به منطقه شامات یا فلسطین است و با برگرداندن قابلمه به اسرائیلی‌ها می‌خواهند یادآوری کنند که مثل این غذا آنها را واژگون خواهند کرد.

زندانی شدن زنان فلسطینی به دلیل پختن غذا

خبرگزاری حوزه در مطلبی درباره پوشش بین‌المللی پخت غذای مقلوبه زنان فلسطینی گزارش داده است: «دسامبر ۲۰۱۷ بود که ترامپ اعلام کرد قدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می‌شناسد، همان روز مرابطات با قابلمه‌های مقلوبه به محوطه مسجدالاقصی آمدند و با برگرداندن غذا جواب ترامپ را دادند.»

مرابطات (جمع مرابطه) به معنای زنان مراقب و مدافع یک حرکت سیاسی اسلامی است. این گروه شامل زنان فلسطینی است که خود را وقف مسجدالاقصی کرده‌اند و در مسجدالاقصی به فعالیت‌های مختلف از جمله برگزاری کلاس‌های مختلف در سطوح مختلف و آموزش قرآن می‌پردازند.

اسرائیلی‌ها هم درباره برگرداندن قابلمه مقلوبه حساسیت نشان می‌دهند و به‌خوبی پیام و فلسفه این کار را درک کرده‌اند. آنها حتی خانم «هنادی حلوانی»، یکی از اعضای مرابطات مسجدالاقصی را به همین خاطر ربودند یا خانم «حدیجه خویص» مدت‌هاست به خاطر همین نوع مبارزه مدنی در زندان به سر می‌برد. به نظر می‌رسد در این روند «مقلوبه» فقط غذا نیست؛ بلکه بیشتر از غذا طعم مبارزه و دفاع از وطن را به دهان دیگران می‌چساند. مقلوبه یک نوع ته‌چین است که در تمام کشورهای عربی اما با روش‌های مختلف با مرغ، گوشت یا سبزیجات درست می‌شود.

نکته جالب در پخت و استفاده از این غذا این است که وقتی غذا پخته می‌شود، برای استفاده از آن، غذا را از داخل قابلمه به روی یک سینی یا بشقاب بزرگ برمی‌گردانند. حالا همین اتفاق، یعنی برگرداندن غذا روی طرفی دیگر، باعث شده این غذا در فلسطین اشغالی به نمادی برای پیروزی قدس و واژگون‌شدن دشمنان قدس تبدیل شود. از نظر برگزارکنندگان این پوشش نیز قرار است به اسرائیل یادآوری شود که مثل قابلمه مقلوبه محکوم به واژگونی هستند.

حالا غذایی که پیش‌ازاین تنها یک غذای معمولی بود، به یکی از نمادهای مقابله با اشغالگری صهیونیست‌ها تبدیل شده است و بانوان فلسطینی در ماه مبارک رمضان افطاری می‌پزند و با خود به مسجدالاقصی می‌برند، دور هم جمع می‌شوند و با برگرداندن قابلمه غذا در برابر دیده سربازان صهیونیستی این پیام را مخابره می‌کنند که این رژیم سرنگون می‌شود.

زنان

مردانی که هیچ کاری نمی‌کنند

وینتام ومردان بی تفاوت

تران لو ژوان هر روز ساعت چهار صبح از خواب بیدار می‌شود تا صبحانه و ناهار درست کند؛ درحالی‌که بقیه اعضای خانواده‌اش خواب هستند. ساعت شش صبح، او با موتور یک ساعتی به محل کارش می‌رود. به‌عنوان یک کارگر ساختمانی، روز خود را با مخلوط‌کردن بتون و بارگذاری آجر در محل ساختمان می‌گذراند. او می‌گوید: «همیشه بعد از یک روز کاری طولانی خسته می‌شوم». وقتی به خانه می‌رسد، بدون اینکه زمانی استراحت کند، کارهایش آغاز می‌شوند. درست‌کردن شام، شستن طرف‌ها، شستن لباس‌ها و نظافت. «بعد از نوه‌هایم تا زمانی‌که خوابوند مراقبت می‌کنم. گاهی اوقات من ساعت یک به تختواب می‌روم. وقتی بچه‌ها می‌کنند، پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسد. پسرش، نیتس، ۱۸ساله، به کالج می‌رود و دخترانش، نهن، ۲۳ و نیتشا، ۲۰ساله به‌عنوان شاگرد کار می‌کنند؛ اما کارهای روزانه کوچور همیشه زیاد است. ایها می‌گوید: «وقتی آنها کوچک بودند، ساعت ۵:۳۰ صبح بیدار می‌شدم تا صبحانه‌شان را درست کنم و تیغین (ناهار بسته‌بندی‌شده) آنها را برای مدرسه و یک تیغین برای شوهرم درست کنم. الان هم همین روال است، با اینکه مدرسه‌خیزی وقت است تمام شده به همسر – آم‌ریت- به مدت ۲۵ سال برای آژانس‌ی کار کرده که سیلندرهای گاز پخت‌وپز را توزیع می‌کند و سابقه‌ای طولانی در انجام «هیچ» کاری در خانه دارد.» پخت‌وپز، تمیزکردن، گردگیری، شستن لباس با دست، اتوکردن و شستن ظروف بر عهده ایها است؛ اگرچه فرزندان‌شان درحال‌حاضر در آخر هفته‌ها کمک می‌کنند. تنها باری که از مشقت این‌همه کار خانگی رهایی یافت، وقتی بود که بعد از عمل دو هفته بستری

در داکا، پایتخت بنگلادش، زندگی می‌کنند. عایشه فعالیت‌های

دخترشان، وعده‌های غذایی، لیست خرید و معاینات پزشکی را برنامه‌ریزی می‌کند؛ درحالی‌که «بیجون» به اجرای آنها کمک می‌کند. این زوج بر این باورند که عدالت تنها از طریق مسئولیت

مشترک حاصل می‌شود؛ اما می‌دانند که وضعیت آنها نادر است. عایشه می‌گوید: «مادر اول انسان است و بعد همه چیز دیگر. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که از زنان انتظار دارند همه این کارها را انجام دهند؛ اما به‌ندرت حداقل‌هایی را که نیاز هست، دریافت می‌کنند.» در بنگلادش نقش صادر، مقدس تلقی می‌شود؛ اما عایشه معتقد است که انتظار جامعه از مادران به‌عنوان مراقبان

اصلی، زمینه را برای احساس گناه فراهم می‌کند. «نیاز هست که مردان بیشتر قدم بردارند. فدرن‌پوری یک شغل تک‌نفره نیست و پدر باید والد برابر باشد، نه حامی.»

او تأکید می‌کند که مردان نیز همیشه حمایت نمی‌شوند. در بنگلادش، مرخصی استحقاقی پدر در حال تصویب است و کسانی‌که به اندازه کافی خوش‌شانس هستند، معمولا فقط پنج روز مرخصی دارند. این زوج امیدوارند که همه چیز تغییر کند و دخترشان وقتی بزرگ شد، مجبور نباشد آن‌قدر مبارزه کند. بیجون معتقد است که فربه‌شدن الگوهایی مانند همسرش کلیدی است. بنگلادش کشوری است که در آن نخست‌وزیر، رهبر اپوزیسیون و رئیس مجلس آن چهره‌های زن قدرتمندی هستند. نشان‌دادن زنان متفاوت در شغل‌ها و تلاش‌های متفاوت نه‌تنها زنان را تشویق می‌کند تا مشاغل قوی‌تری را دنبال کنند؛ بلکه نشان می‌دهد که شکستن سقف‌های شیشه‌ای کاملا امکان‌پذیر است.

که پدربزرگ و مادربزرگش و یک پرستار از او مراقبت می‌کنند. او می‌گوید: «من به کیفیت بر کمیت اعتقاد دارم و زمانی که به خانه می‌روم، سعی می‌کنم تا حد امکان بی‌وقفه در کنار دخترم باشم.

برنامه عایشه در زندگی روزمره نشان می‌دهد او وقت ندارد به نظرات دیگران درباره نحوه پرورش فرزندش توجه کند. او می‌گوید: «من سعی می‌کنم به‌عنوان یک مادر انتظارات خود را برآورده کنم؛ اما سخت است. من اغلب احساس می‌کنم کارهایی که برای دخترم انجام می‌دهم، مورد قدردانی قرار نمی‌گیرد یا به رسمیت شناخته نمی‌شوند؛ حتی از سوی مادر خودم که یک مادر شاغل بود و الگوی من در دوران رشد بود.»

پس از زایمان، عایشه برای بازگشت به کار تحت فشار بود. او می‌گوید: «در بنگلادش، داشتن فاصله در رزومه کاری مطلوب نیست؛ بنابراین زنان در مشاغل حرفه‌ای اغلب پس از چهار تا شش ماه مرخصی زایمان به سر کار بازمی‌گردند؛ رفتاری که بسیار استرس‌زاست. ما به‌عنوان یک جامعه، باید جلوی مادران گناهکار را بگیریم و آنها را تشویق کنیم که وقتی آماده هستند، به سر کار بازگردند.»

بلافاصله پس از داشتن اینایا، او در محل کار خود احساس قضاوت کرد. «البته، پشت سر گذاشتن زوادگی که در خانه گریه می‌کند، احساس خوبی ندارد؛ اما ای کاش مردم از زیر سؤال بردن انتخاب‌های من دست بردارند.»

شوهرش، بیجون اسلام، ۳۸ساله، هرجا که بتواند کمک نشان‌دادن زنان متفاوت در شغل‌ها و تلاش‌های متفاوت نه‌تنها می‌کند. او می‌گوید: «من حداقل دو روز در هفته از خانه کار می‌کنم. اگر در خانه بمانم، کار و جلسه‌ام را با مراقبت از اینایا و کمک به کارهای خانه انجام می‌دهم». این زوج در آپارتمانی

^[1] عایشه سابرینا ساعت هفت صبح از خواب بیدار می‌شود و

^[2] عایشه سابرینا ساعت هفت صبح از خواب بیدار می‌شود و

^[3] عایشه سابرینا ساعت هفت صبح از خواب بیدار می‌شود و